

جلال‌الدین دوانی

فیلسوف ذوق‌التّأله



سومین سال گشتا

شماره ۲۷، جلد ۱، شماره ثبت کتابخانه ملی ۲۱۶۶۶، شماره ثبت کتابخانه مجلس شورای اسلامی ۲۷۹۶۶۷۸۸، شماره ثبت کتابخانه شهید رجایی ۲۷، شماره ثبت کتابخانه آیت‌الله خمینی ۲۷، شماره ثبت کتابخانه آیت‌الله العظمی خرمسری ۲۷

غلامحسین ابراهیمی دینانی

۳۲	مقدمه	۳۲
۳۳	تألیف	۳۳
۳۴	مقدمه	۳۴
۳۵	مقدمه	۳۵
۳۶	مقدمه	۳۶
۳۷	مقدمه	۳۷
۳۸	مقدمه	۳۸
۳۹	مقدمه	۳۹
۴۰	مقدمه	۴۰
۴۱	مقدمه	۴۱
۴۲	مقدمه	۴۲
۴۳	مقدمه	۴۳
۴۴	مقدمه	۴۴
۴۵	مقدمه	۴۵
۴۶	مقدمه	۴۶
۴۷	مقدمه	۴۷
۴۸	مقدمه	۴۸
۴۹	مقدمه	۴۹
۵۰	مقدمه	۵۰
۵۱	مقدمه	۵۱
۵۲	مقدمه	۵۲
۵۳	مقدمه	۵۳
۵۴	مقدمه	۵۴
۵۵	مقدمه	۵۵
۵۶	مقدمه	۵۶
۵۷	مقدمه	۵۷
۵۸	مقدمه	۵۸
۵۹	مقدمه	۵۹
۶۰	مقدمه	۶۰
۶۱	مقدمه	۶۱
۶۲	مقدمه	۶۲
۶۳	مقدمه	۶۳
۶۴	مقدمه	۶۴
۶۵	مقدمه	۶۵
۶۶	مقدمه	۶۶
۶۷	مقدمه	۶۷
۶۸	مقدمه	۶۸
۶۹	مقدمه	۶۹
۷۰	مقدمه	۷۰
۷۱	مقدمه	۷۱
۷۲	مقدمه	۷۲
۷۳	مقدمه	۷۳
۷۴	مقدمه	۷۴
۷۵	مقدمه	۷۵
۷۶	مقدمه	۷۶
۷۷	مقدمه	۷۷
۷۸	مقدمه	۷۸
۷۹	مقدمه	۷۹
۸۰	مقدمه	۸۰
۸۱	مقدمه	۸۱
۸۲	مقدمه	۸۲
۸۳	مقدمه	۸۳
۸۴	مقدمه	۸۴
۸۵	مقدمه	۸۵
۸۶	مقدمه	۸۶
۸۷	مقدمه	۸۷
۸۸	مقدمه	۸۸
۸۹	مقدمه	۸۹
۹۰	مقدمه	۹۰
۹۱	مقدمه	۹۱
۹۲	مقدمه	۹۲
۹۳	مقدمه	۹۳
۹۴	مقدمه	۹۴
۹۵	مقدمه	۹۵
۹۶	مقدمه	۹۶
۹۷	مقدمه	۹۷
۹۸	مقدمه	۹۸
۹۹	مقدمه	۹۹
۱۰۰	مقدمه	۱۰۰



انتشارات هرمس

مقدمه

فهرست

۱	مقدمه
۳۳	وحدت و کثرت
۵۹	معنی اصالت وجود در یک سطح گسترده
۹۱	معلوم بالعرض مقصود بالذات است
۱۱۷	نسبت نخستین، مادر نسبتهای دیگر است
۱۴۵	احکام صفات در ذات و احکام ذات در صفات
۱۷۱	در کثرت وحدت دیدن و از تفرقه به توحید رسیدن
۱۹۵	ربط حادث به قدیم
۲۱۷	چگونگی پیدایش رویدادها و نابودی آنها
۲۴۱	تکثیر واحد و توحید کثیر
۲۶۷	از مجادله کلامی تا مشاهده اشراقی
۲۹۳	کوشش دوانی در دفع شبهه ابن کمونه
۳۲۱	مرجع همه صفات ذاتی علم است
۳۴۷	موضع دوانی در تفسیر سوره الکافرون و شرح هیاکل النور سهروردی
۳۷۱	چند نمونه از کتاب انموذج العلوم
۳۸۵	جایگاه محقق دوانی در فلسفه اخلاق
۴۱۱	آیا یک فیلسوف می تواند اشعری باقی بماند؟
۴۳۱	جلال الدین دوانی و رساله «تهلیلیه»

مقدمه

درباره هستی و چیستی فلسفه اسلامی سخنهای بسیاری گفته شده است و باب بحث و بررسی در این مسئله هنوز هم مفتوح است و در آینده نیز شاید ادامه داشته باشد. آراء و عقاید در این باب متفاوت و گوناگون است. البته این اختلاف آراء در مورد اصل فلسفه به طور عام نیز همواره مطرح بوده است ولی این اختلافها هرگز از اهمیت فلسفه و جایگاه رفیع آن نمی‌کاهد. زیرا فلسفه به حکم اینکه از ژرفای فکر و اندیشه سرچشمه می‌گیرد و به طرح بنیادی‌ترین پرسشها می‌پردازد عالم را می‌سازد و به روشن کردن معنی زندگی کمک می‌کند. فلسفه زبان هستی است و به اشخاص وابسته نیست تا هر لحظه نظم جهان را دگرگون کند و آشوب بیافریند. فلسفه در عین اینکه یک امر تاریخی شناخته می‌شود تابع شرایط زمان و مکان نیست زیرا اگر چنین باشد عالی معلول دانی می‌شود و البته این امر معقول نیست. وظیفه فلسفه افزودن دانشهای تحصیلی نیست بلکه تعالی ذهن و بالا بردن سطح تفکر و ژرفای اندیشه است. فلسفه موجب خودآگاهی می‌شود و خودآگاهی از ویژگیهای انسان شناخته می‌شود.

ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام واقعیتی است که اشخاص نمی‌توانند آن را مورد انکار قرار دهند. این جریان فکری که تقریباً از ابونصر فارابی آغاز می‌شود و با کوشش کسانی مانند ابن سینا و سهروردی و صدرالمتألهین و پیروان او تا زمان حاضر ادامه می‌یابد، یک جریان چشمگیر و زنده است و انکار آن نوعی مکابره است که می‌توان آن را چشم فرو بستن به روی آنچه روشن و آشکار است به شمار آورد. کسانی که اهل مکابره نیستند و چشم انصاف خود را به روی حقایق و امور واقعی نمی‌بندند نه تنها این جریان فکری را به طور عینی

مشاهده می‌کنند بلکه آثار نیرومند و پرتوانوار آن را در میان مردم آگاه و ژرف‌اندیش جهان نیز به‌درستی درک و دریافت می‌کنند.

در اینجا بی‌درنگ باید یادآور شویم که اگر کسی درباره‌ی این جریان فکری به بحث و بررسی پردازد و در مورد تطورات و تحولات آن تأمل نماید به هیچ‌وجه نمی‌تواند جلال‌الدین دوانی و آثار فکری و فلسفی او را نادیده انگارد. این اندیشمند ژرف‌اندیش و تیزهوش در قرن نهم هجری زندگی می‌کرده و به حوزه فکری و فلسفی شیراز تعلق دارد. در این حوزه فلسفی اندیشمندان بزرگی به منصف ظهور رسیده‌اند که شایسته است درباره هر یک از آنها به‌طور جداگانه و به تفصیل سخن گفته شود. کسانی مانند قاضی بیضاوی، قاضی عضدالدین ایجی و میرسیدشریف جرجانی در به‌وجود آمدن این حوزه فکری نقش داشته‌اند. چگونه می‌توان از حوزه فکری و فلسفی شیراز سخن گفت و به نام بزرگانمانند صدرالدین دشتکی، شمس‌الدین فاضل خفری، فاضل باغنوی و غیاث‌الدین منصور دشتکی اشاره نکرد؟

ما اکنون درباره بزرگان حوزه فکری و فلسفی شیراز و شرح احوال آنها سخن نمی‌گوییم زیرا سخن گفتن درباره هر یک از این بزرگان و آثار آنها فرصت و مجال بسیار می‌طلبد. همین اندازه یادآور می‌شویم که جلال‌الدین دوانی از چهره‌هایی است که آشکارا در این حوزه فکری به خوبی و زیبایی درخشیده است و نقش فکری و فرهنگی خود را به‌درستی ایفا کرده است. بیش از هشتاد اثر علمی و فلسفی و ادبی و تفسیری به این اندیشمند پرکار و توانا منسوب است که نام و خصوصیت آنها در فهرست آثار او ذکر شده است. البته بسیاری از این آثار موجز و مختصر است ولی در عین ایجاز پرمحتوا و سودمند شناخته می‌شوند.

کتاب *لواعلشراق* معروف به اخلاق جلالی از جمله آثاری است که بالنسبه مفصل است و محقق دوانی در تألیف آن کوشش بسیاری به عمل آورده است. این کتاب با کتابهای دیگری که در علم و فلسفه اخلاق به نگارش درآمده تفاوت دارد و ضمن اینکه از اسلوب ارسطویی بیرون نیست مسائل تازه‌ای در آن مطرح شده که از اهمیت بسیار برخوردار است.

حواشی محقق دوانی بر شرح تجرید علامه قوشچی، که تحت عنوان طبقات

جلایه مطرح گشته است، دارای اهمیت بسیار است. این حواشی را می‌توان به سه قسم قدیم و جدید و اجده تقسیم کرد.

یکی از آثار محقق دوانی کتاب *انموزج العلوم* است. چنانکه از عنوان آن برمی‌آید در علوم مختلف و متعدد به رشته نگارش درآمده و در ده مسئله تنظیم شده است. هر یک از این ده مسئله به یک علم خاص مربوط است که با بررسی آن مسئله می‌توان به میزان احاطه و مهارت دوانی در آن علم واقف شد. این رساله می‌تواند یادآور کتاب *ستینی* امام فخرالدین رازی باشد که او نیز این کتاب را درباره علوم مختلف و گوناگون به رشته تحریر درآورده و از این طریق خواسته است مهارت و آگاهی خود را در علوم متعدد و مختلف نشان دهد. به عبارت دیگر می‌توان گفت نوشتن این گونه از کتابها در زمان گذشته نوعی اظهار فضل بوده که مؤلف آن می‌توانسته است از این طریق خود را به ارباب فضل و هنر معرفی نماید.

کتاب *شواکل الحور فی شرح هیاکل النور* از جمله کتابهای بالنسبه مفصل دوانی است که در شرح اندیشه‌های شهاب‌الدین سهروردی حکیم اشراقی به رشته نگارش درآمده و این محقق توانسته است روی نکته‌های ظریف و دقیق تفکر سهروردی در رساله *هیاکل النور* انگشت گذارد.

محقق دوانی سوره‌های مبارک اخلاص و کافرون را نیز تفسیر کرده و البته غرض او از این تفسیرها اشاره به نکات و دقایق لطیفی بوده که روشن ساختن آنها را برای مردم لازم می‌دیده است.

رساله «*خلق الاعمال*» از رساله‌های موجز و مختصری است که محقق دوانی درباره افعال و اعمال انسان نوشته و کوشیده است به اشکالهایی که در مورد مسئله *پرماجرا* و *جنجالی جبر* و اختیار مطرح می‌شود پاسخ گوید. او در این رساله بیش از هر چیز روی مسئله «کسب» اشاعره تکیه می‌کند و به این مسئله می‌پردازد که انسان در عین اینکه کارهای خود را از روی اختیار انجام می‌دهد، قدرت اختیار و اراده‌اش بدون تأثیر است و مؤثر حقیقی در عالم هستی جز خداوند تبارک و تعالی نیست. محقق دوانی هنگامی که طی یک سفر طولانی از شهر کاشان عبور می‌کرده است، این رساله را در آنجا بنا به تقاضای سعدالدین

محمد استرآبادی که از علمای بزرگ آن زمان بوده به نگارش درآورده است. البته معلوم است که در آن فرصت کوتاه مجال مراجعه به منابع لازم را نداشته است. بنابراین این رساله خلاصه و عصاره‌ای است از آنچه نسبت به مسئله خلق اعمال در ذهن داشته است. بررسی مطالبی که در این رساله آمده به روشنی نشان می‌دهد که جلال‌الدین دوانی در آن روزگار به طریقه متکلمان اشعری باور داشته و آن را بر طریقه‌های کلامی دیگر مقدم و برتر می‌دانسته است.

اگر کسی ادعا کند که رساله «الزوراء» با همهٔ ایجاز و اختصاری که دارد از آثار دیگر محقق دوانی برتر و پرمحتواتر است از روی گزاف سخن نگفته است. این رساله که عنوان «تنبیه الراقدين» نیز بر آن اطلاق شده نتیجهٔ یک مبشّره طولانی است که طی آن یک سلسله معانی و حقایق از سوی مولای متقیان حضرت علی بن ابی طالب (ع) به قلب جلال‌الدین دوانی القاء شده است.

آنچه او مبشّره می‌خواند یک نوع حالت معنوی و خلسهٔ روحانی است که در اثر عنایات مولی‌الموحدين حضرت علی (ع) نصیب او گشته است. دوانی در این مبشّره و حالت روحانی به یک تحول و انقلاب درونی دست یافته که به طور معمول برای اشخاص رخ نمی‌دهد. در اثر همین تحول و دگرگونی درونی محقق دوانی از یک متکلم سختگیر و سطحی‌نگر اشعری به یک عارف آگاه و اندیشمند ژرف‌نگر مبدل می‌گردد و به طرح مسائل عمیق می‌پردازد. این دگرگونی معنوی برای محقق دوانی در شهر بغداد پیش آمده و کلمهٔ «الزوراء» نیز از نامهای این شهر به شمار می‌آید. البته این کلمه به دجله نیز اطلاق شده و شاید شهر بغداد نیز به علت نزدیکی به دجله «الزوراء» خوانده شده است.

مبشّره‌ای که برای جلال‌الدین دوانی حاصل شده بسیار شبیه اتفاقی است که برای شیخ اکبر محیی‌الدین ابن عربی رخ داده است. زیرا ابن عربی نیز در یک مبشّره مشاهده نموده که حضرت مصطفی (ص) خاتم پیامبران کتاب فصوص الحکم را به او داده و فرموده است آن را برای مردم بخواند. به این ترتیب در همانندی ادعای محقق دوانی و ابن عربی تردیدی نیست تنها تفاوت در این است که مبشّرهٔ ابن عربی مصطفوی است و او با الهام از حضرت ختمی مرتبت (ص) به تنظیم کتاب فصوص الحکم پرداخته است در حالی که جلال‌الدین دوانی

در یک مبشّره علوی و با الهام از حضرت مولی‌الموحدين علی (ع) رساله «الزوراء» را به نگارش درآورده است. بنابراین رسالهٔ «الزوراء» در زمرهٔ آثار عرفانی قرار می‌گیرد ولی در عین حال می‌توان آن را یک اثر فلسفی نیز به شمار آورد زیرا آنچه در این رساله مطرح شده بر نوعی استدلال استوار است و جلال‌الدین دوانی می‌کوشد در طرح مسائل به سبک فلاسفه سخن بگوید. او در این رساله در جایگاه کسی قرار می‌گیرد که از طریقهٔ تنگ و فضای محدود اندیشهٔ اشعری بیرون آمده و در مسیر فلسفه و گستره فکر آزاد قدم گذاشته است. مسائلی که در این رساله مطرح شده جنبهٔ فلسفی دارد و از نوعی اندیشه ژرف سرچشمه گرفته است. به نظر می‌رسد مبشّره علوی جلال‌الدین دوانی را به طریق تفکر عمیق برده و باب ژرف‌اندیشی را به روی او گشوده است. رسالهٔ «الزوراء» که براساس یک مبشّرهٔ علوی و نوعی حالت روحانی و معنوی به رشته نگارش درآمده است به روشنی نشان می‌دهد که جلال‌الدین دوانی در راه تشیع قدم گذاشته و یا حداقل به این طریقه نزدیک شده است.

در میان فهرست کتب و رسائل جلال‌الدین دوانی رساله‌ای به نام «نورالهدایه» وجود دارد. اگر بپذیریم که این رساله از محقق دوانی است تردیدی نمی‌توان داشت که او یک شیعهٔ دوازده امامی کامل و علاقه‌مند به این مذهب بوده و هر طریق دیگری را که غیر طریقهٔ تشیع شناخته می‌شود مردود و باطل می‌دانسته است.

بر حسب آنچه در این رساله آمده محقق دوانی حضرت علی (ع) را افضل از ابوبکر و عمر و عثمان دانسته و معتقد است علی (ع) از هر شخص دیگری برای خلافت و جانشینی پیغمبر (ص) شایسته‌تر است. نظر او در این رساله بر این اصل استوار است که فضیلت حضرت علی (ع) الهی است و مرتبه و مقامی است که از جانب خداوند به او داده شده است. محقق دوانی در این باب به روایتی تمسک کرده که جالب توجه است. بخشی از عبارات او در این رساله چنین است:

از تتبع کلمات متفق‌علیه و مختلف‌فیه دانسته بودم که کمالات علمی و عملی امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) به حدی است که پیغمبر خدا به موجب امر